



کار گزار ویژه حضرت هادی علیه السلام

عبدالکریم پاک نیا

۱. از نامه امام هادی علیه السلام به علی بن مهزیار.
۲. طبق فرموده برخی محققان، این علی بن مهزیار، غیر از آن است که به محضر حضرت حجت علیه السلام مشرف شده است. او برادرزاده این علی بن مهزیار است که محدث و همنشین سه امام معصوم است؛ زیرا شخصیت مورد نظر ما علی بن مهزیار، محدث و مفسر است که در زمان امام هادی علیه السلام یا در نهایت در اوایل امامت امام عسکری علیه السلام از دنیا رفته و حتی بنا به گفته برخی، زمان امامت حضرت عسکری علیه السلام را هم درک نکرده است. در حقیقت، این علی بن مهزیار، عموی اوست و او علی بن ابراهیم بن مهزیار است. همچنین علی بن ابراهیم بن مهزیار ثانی که به محضر حضرت حجت علیه السلام مشرف شده است، در اهواز مدفون است و اوایل زمان غیبت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) را درک کرده است. در هر صورت، هر دو بزرگوار از شخصیتهای مورد توجه امامان معصوم علیهم السلام و دانشمندان بزرگ امامیه به شمار می آیند؛ گر چه در قضیه شرف هم اضطراب و اشکال وجود دارد. (الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۴، ص ۲۴۹ و معجم رجال الحدیث، ج ۱۳، ص ۲۱۲)

«ای علی بن مهزیار! از خداوند متعال می خواهم که تو را از پیش رو و پشت سر و در همه احوال، حفظ کند. خوشحال باش که من امیدوارم خداوند، بلایا را از تو برطرف کند... در پناه قدرت او به سلامت باشی!»^۱

آشنایی اجمالی

ابوالحسن علی بن مهزیار اهوازی^۲ دورقی، فقیه، محدث و از رهبران اندیشمند و سرشناس شیعه در اوایل قرن سوم است که نزد امامان بزرگوار از جایگاه والایی برخوردار بود. علی بن مهزیار از یاران نزدیک امام هادی علیه السلام و وکیل آن گرامی در

برخی نواحی بوده است. او همچنین به افتخار همنشینی با امام رضا علیه السلام و وکالت امام جواد علیه السلام نائل آمده بود.

شیخ طوسی رحمته الله می نویسد: «علی بن مهزیار اهوازی از اصحاب مورد اعتماد حضرت هادی علیه السلام است.»^۱ محدث قمی نیز درباره عظمت این شخصیت فرزانه می گوید: «ابو الحسن، علی بن مهزیار اهوازی دورقی، جلال و عظمت قدرش، زیاده از آن است که ذکر شود. از توقیعات شریفه حضرت جواد علیه السلام به او معلوم می شود چه اندازه این معظم، جلیل الشأن بوده است؛ در یکی از این توقیعات است که مرا مسرور کردی به آنچه ذکر کردی و همیشه مرا مسرور می داری. خداوند تو را با بهشت مسرور سازد و از تو به سبب رضای من راضی شود.»^۲

پدر او مسیحی و اهل هند بود که به دین اسلام مشرف شد و بعداً در یکی از روستاهای اهواز سکنی گزید. علی بن مهزیار نیز همراه پدرش، در همان دوران نوجوانی به دین مقدس اسلام گروید و دلش با نور

اهل بیت علیهم السلام منور شد. اوّل، حسن بن سعید اهوازی او را به محضر امام هشتم معرفی کرد و از محضر ایشان بهره ها برد. پس از آن بزرگوار نیز در ردیف یاران خاص امام جواد علیه السلام قرار گرفت و بعد از شهادت پیشوای نهم، با تلاشهای فراوان به خوشه چینی در مکتب امام هادی علیه السلام پرداخت و به عنوان راوی مورد اعتماد و وکیل تام الاختیار حضرتش عمل می کرد.^۳

علی بن مهزیار، نزد اهل بیت علیهم السلام به چنان مقامی رسید که امام جواد علیه السلام وی را این گونه ستود: «لَسْتُ تَدْرِي كَيْفَ جَعَلَكَ اللَّهُ عِنْدِي؛ [علی!] تو نمی دانی خداوند برای تو نزد من چه مقامی قرار داده است! و آنگاه در ادامه می فرماید: «من گاهی اوقات با نام و نسب خودت دعایت می کنم. من به تو علاقه و محبت زیادی دارم. جایگاه تو را

۱. رجال الشيخ، شیخ طوسی، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۵ ق، ص ۳۸۸.

۲. منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، تهران، نشر اسلامی، ۱۳۸۰ ق، ج ۲، ص ۳۵۸.

۳. معجم رجال الحديث، ابو القاسم خوئی، پنجم، ۱۴۱۳ ق، ج ۱۳، ص ۲۰۶.

امام هادی علیه السلام طی نامه‌ای که به علی بن مهزیار ارسال کرده، زحمات و اشتیاق بی‌پایان علی را به آن حضرت، این‌گونه ارج می‌نهد:

«أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يَحْفَظَكَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْكَ
وَمِنْ خَلْفِكَ وَفِي كُلِّ حَالٍ إِنَّكَ فَأَبْشِرْ فَأِنِّي
أَرْجُو أَنْ يَدْفَعَ اللَّهُ عَنْكَ وَاللَّهُ أَسْأَلُ أَنْ يَجْعَلَ
لَكَ الْخَيْرَةَ فِيمَا عَزَمَ لَكَ مِنَ الشُّحُوصِ فِي
يَوْمِ الْأَحَدِ وَأَخَّرَ ذَلِكَ إِلَى يَوْمِ الْإِثْنَيْنِ إِنْ شَاءَ
اللَّهُ صَحْبِكَ اللَّهُ فِي سَفَرِكَ وَخَلْفِكَ فِي
أَهْلِكَ وَأَدَى عَنكَ وَسَلِمْتَ بِقُدْرَتِهِ؛^۲ [ای
علی بن مهزیار!] از خداوند متعال
می‌خواهم که تو را از پیش رو و پشت
سر و در همه احوال حفظ کند.
خوشحال باش که من امیدوارم
خداوند [بلا یا را] از تو برطرف کند و از
خدا می‌خواهم سفری را که روز
یکشنبه قصد داری، برایت خیر دهد.
سفرت را - به خواست خدا - تا روز
یکشنبه تأخیر بینداز. خدا در سفر
همراهت، و در میان خانواده،

می‌شناسم. خداوند، بهتر از این
موقعیت برایت روزی کند و به سبب
رضایت من، از تو راضی باشد، تو را به
خواسته‌ها و آرزوهایت برساند و در
فردوس اعلیٰ به سبب رحمت و
مغفرتش به تو منزل عطا کند که او
شنوای دعاست. خدا تو را حفظ و
پاسداری کند و بدیها را در پرتو
رحمتش از تو دور بدارد.^۱

بهر مهر توبه فردوس، برانم دادند

وز جهنم به ولای تو نجاتم دادند
سرخوش از دوستی آل پیمبر گشتم
ساده از جام تجلی صفاتم دادند
بی‌خود از شعله پرتو ذاتم کردند
یعنی از نور ولاشان لمعاتم دادند
من همان روز ز اسلام شدم برخوردار
که به دل، نور ولای حضراتم دادند
گر شدم عالم و عارف به ولاشان، چه عجب

مستحق بودم و اینها به زکاتم دادند

در محضر امام هادی علیه السلام

همچنان‌که اشاره شد، او علاوه بر
ارتباط نزدیک با امام هشتم و نهم علیه السلام
با پیشوای دهم نیز رابطه نزدیکی
داشت. در این باره چند روایت را با هم
می‌خوانیم:

۱. رجال کشی، شیخ طوسی، قم، مؤسسه آل
البيت علیهم السلام، ۱۴۰۴ ق، ص ۵۵۱.
۲. بحار الانوار، علامه محمدباقر مجلسی،
مؤسسه الوفاء، ج ۵۶، ص ۴۱.

«سیاله» رسیدیم، علی بن مهزیار، طی نامه‌ای، برنامه سفر را به ایشان اطلاع داد. در ضمن، اجازه شرفیابی خواست و تقاضا کرد چه وقت مناسب است تا به خدمت شما برسیم و برای من نیز اجازه خواست.

آن حضرت علیه السلام در جواب، اجازه شرفیابی داده و بعد از ظهر را تعیین کرده بود. همه به راه افتادیم. روز بسیار گرمی بود. غلام علی بن مهزیار به نام «مسرور» نیز همراه ما بود. همین که به منطقه سکونت امام، نزدیک شدیم. دیدم بلال، غلام امام ایستاده و منتظر ما است. گفت: «وارد شوید.» ما داخل یکی از اتاقها شدیم. بی اندازه تشنه بودیم. مختصری که نشستیم، یکی از خدمتکاران آمد و با خود کوزه‌ای آب خنک آورد. آن آب را نوشیدیم. بعد امام، علی بن مهزیار را خواست. علی تا بعد از عصر، خدمت امام بود. بعد مرا خواست. رفتم و سلام کردم و

جانشینت، و در غیاب تو انجام دهنده کارهایت باشد و در پناه قدرت او به سلامت باشی!»

علی بن مهزیار گفته است که خدمت حضرت هادی علیه السلام رسیدم. پیش از اینکه سخنی گویم، آن جناب به فارسی با من صحبت کرد.^۱

او در روایت دیگری می‌گوید: «غلام را - که از اهالی قسطنطنیه بود - خدمت حضرت هادی علیه السلام فرستادم. غلام با تعجب برگشت و همچنان متحیر بود. گفتم: «پسرم چه شده است!» گفت: «من از این در شگفتم که امام با من به زبان رومی صحبت می‌کرد؛ مثل اینکه یک فرد رومی است.» فکر می‌کنم: هدف حضرت این بود که غلامان دیگر، منظور امام را متوجه نشوند.»^۲

ابراهیم بن مهزیار برادر علی بن مهزیار نقل می‌کند که زمانی حضرت هادی علیه السلام از برادر علی بن مهزیار خواست که برایش ساعتی بسازد. ساعت در سال ۲۲۸ قمری، آماده شد و برای تحویل به سوی آن حضرت حرکت کردیم. همین که به منطقه

۱. بصائر الدرجات، محمد بن حسن صفار، قم، نشر کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، باب فی الائمة علیهم السلام انهم يتكلمون...، ص ۳۳۳.
۲. همان.

مذهب امامیه، زبانزد فقها و علمای بزرگ است. روایتهای فراوان او همواره مورد توجه فقیهان، محدثان و مفسران است و محققان علوم دینی، هرگز از روایاتش بی‌نیاز نیستند؛ زیرا از وی بیش از ۴۳۷ مورد روایت در موضوعات مهم اسلامی و مورد نیاز جامعه، در کتب اربعه دیده می‌شود.^۳

ابن شهر آشوب از نظریه پردازان علم رجال می‌گوید: «علی بن مهزیار اهوازی از دانشمندان مورد وثوق ماست که ۳۳ کتاب از خود به یادگار گذاشته است. کتابهای حروف القرآن، الانبیاء، الخصال، البشارات، الوضوء، الصلاة، الحج، المثالب، و فاة ابی ذر رضی الله عنه، حدیث الاشعریه، از جمله آنهاست.»^۴ او تفسیر مستقل هم دارد که به تفسیر ابن مهزیار موسوم است.^۵

۱. ساعت چنین درست شده بود که در سر هر ساعت، یک ریگ می‌انداخت. وقتی می‌خواستند بفهمند چه ساعتی است، ریگها را می‌شمردند.

۲. بصائر الدرجات، ص ۳۳۷.

۳. معجم رجال الحدیث، ج ۱۳، ص ۲۱۳.

۴. معالم العلماء، ابن شهر آشوب، مازندرانی، نجف اشرف، منشورات حیدریه، ص ۱۳.

۵. الذریعه الی تصانیف الشیعه، شیخ آقا بزرگ تهرانی، قم، نشر اسماعیلیان، ج ۴، ص ۲۴۹.

درخواست کردم که دست مبارک حضرتش را ببوسم و بوسیدم. پس از اندکی که در محضر امام علیه السلام نشستم، خواستم از محضرش مرخص شوم.

همین‌که از جا حرکت کردم و از خانه خارج شدم، مرا صدا زد و فرمود: «ابراهیم!» عرض کردم: «بله، آقای من.» فرمود: «نرو.» همان‌جا ایستادم. مسرور غلام، نیز حضور داشت.

آن‌گاه دستور داد ساعت را به کار اندازند. بعد خود امام خارج شد، برایش صندلی قرار دادند و روی آن نشست. برای علی بن مهزیار نیز یک صندلی طرف چپ امام گذاشتند. من هم کنار ساعت ایستاده بودم. ساعت، یک ریگ انداخت. مسرور گفت: «ساعت هشت است.» آن حضرت فرمود: «منظورش از هشت، همان ثمانیه در عربی است؟» عرض کردیم: «بله.»^۱ و...^۲

مقام علمی

علی بن مهزیار مفسر کلام خدا، مجتهد متعبد، محدث سرشناس، عالمی نستوه و روایتگری سختکوش بود که رتبه بلند او در میان نخبگان

**علی بن مهزیار مفسر کلام
خدا، مجتهد متعبد، محدث
سرشناس، عالمی نستوه و
روایتگری سختکوش بود
که رتبه بلند او در میان
نخبگان مذهب امامیه،
زبانزد فقها و علمای بزرگ
است**

می نماید.

نماز در حرمین

علی بن مهزیار از حضرت
جواد علیه السلام درباره نماز در حرمین سؤال
کرد و به آن حضرت نوشت: «روایات
از پدران بزرگوار شما درباره کامل یا
شکسته خواندن نماز در حرمین
شریفین مختلف است. برخی حکایت
از آن دارد که نماز را در آن مکانهای
مقدس باید کامل خواند؛ گرچه یک
نماز بخوانی و در برخی دیگر دستور
قصر خواندن آمده است؛ مگر اینکه ده
روز قصد اقامت کنی!

من تا کنون نمازهایم را در آنجا
کامل می خواندم تا اینکه امسال در ایام
حج، فقهای اصحاب ما به من گفتند که
اگر قصد ده روز ندارم، باید نمازم را
شکسته بخوانم و من هم به آن عمل
کردم؛ اما چون نظر شریف شما را در
این باره نمی دانستم، این عمل برایم
دلچسب نبود. تقاضا دارم مرا
راهنمایی بفرمایید.»

امام در پاسخ نوشت: «خدا تو را
رحمت کند. تو می دانی نماز در آن دو
حرم در مقایسه با سایر جاها چقدر

گفته اند کتابهای وی از اصول چهارگانه
شیعه به شمار می روند. علی بن مهزیار
در زمان حضرت هادی یا امام حسن
عسکری علیه السلام از دنیا رفته است.

در عرصه فقه

شخصیت نگاران، علی بن مهزیار
رایکی از استوانه های فقه شیعه قلمداد
کرده اند؛ چرا که وی مسائل کوچک و
بزرگ فقهی را از مکتب سه امام
همام علیهم السلام آموخته و به دیگران نیز
آموزش داده است. در اینجا، نقل چند
مورد از روایتهای فقهی او مناسب

خود می نگارد: «من می دانم که اموال زیادی از این طریق و راههای دیگر به دست دوستان ما به عنوان غنیمت می رسد. آنان باید این غنایم را از طریق و کلاً به ما برسانند.»^۳

آیات الاحکام

حضرت جواد علیه السلام ضمن نامه ای دیگر به علی بن مهزیار، برخی نکات و ناگفته های مسائل خمس و زکات را

فضیلت دارد. من دوست دارم هرگاه به آن دو حرم داخل شدی، نمازت را شکسته نخوانی و در آنجا بیش تر و کامل تر بخوانی!»

بعد از دو سال وقتی به حضور امام رسیدم، عرضه داشتم: «من قبلاً از شما طی نامه ای مسئله ای را پرسیده بودم و شما هم این گونه پاسخ داده بودید.» فرمود: «آری، درست است. حکم، همان است که برایت نوشته

بودم.» من به طور حضوری از امام سؤال کردم: «مقصود شما از حرمین کجاست؟» آن حضرت فرمود: «حرم مکه و مدینه.»^۱

از موارد خمس

حضرت جواد علیه السلام در نامه ای که به علی بن مهزیار، یار نزدیک خود نگاشته است، ضمن برشمردن موارد خمس می فرماید: «وَمَا صَارَ إِلَى مَوَالِيٍّ مِنْ أَمْوَالِ الْخُرَمِيَّةِ الْفَسَقَةِ؛ [یکی دیگر از جاهایی که باید خمس آن پرداخته شود] اموالی است که از دست پیروان بابک خرمدین^۲ به دست می آید که افرادی فاسق و تبهکار هستند.»

امام محمدتقی علیه السلام در ادامه نامه

۱. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، نشر اسلامیه، ۱۳۷۷ ق، ج ۴، ص ۵۲۵.
 ۲. بابک خرمی در دوران جوانی در اردبیل به کشاورزی اشتغال داشت. او در زمان خلافت مأمون، علیه حکومت مرکزی قیام کرد. پیروان زیادی در آذربایجان به گرد او جمع شدند و او به طور رسمی شورش کرد و بانبروهای خلیفه وقت به مقابله برخاست. از سال ۲۰۱-۲۲۲ ه. ش بسیاری از مأموران حکومتی به دست پیروان او کشته شدند. در زمان معتصم، سرداری به نام افشین به جنگ او شتافت و وی را دستگیر کرد و در بغداد کشت. پیروان بابک خرمی، سالها در آذربایجان با لشکریان مسلمان مبارزه می کردند تا اینکه در قرن سوم منقرض شدند. امروزه نیز برخی از افراد فرصت طلب، در سالگرد اعدام وی، در «قلعه بابک» در نزدیک «کلین» در آذربایجان شرقی گرد می آیند و برای رسیدن به اغراض سیاسی خود، بر احیای مرام باطل وی اصرار می کنند.

۳. وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ج ۹، ص ۵۰۲.

شخصیت‌نگاران، علی بن
 مهزیار را یکی از
 استوانه‌های فقه شیعه
 قلمداد کرده‌اند؛ چرا که وی
 مسائل کوچک و بزرگ فقهی
 را از مکتب سه امام همام علیهم‌السلام
 آموخته و به دیگران نیز
 آموزش داده است

مؤمنان، اعمال شما را می‌بینند و به
 زودی به سوی دانای نهان و آشکار باز
 گردانده می‌شوید و شما را به آنچه
 عمل می‌کردید، خبر می‌دهد.»

سپس امام در ادامه نامه‌اش به علی
 بن مهزیار می‌فرماید: «من این خمس
 را همه ساله بر آنان واجب نمی‌کنم و
 فقط زکات را که خداوند مقرر کرده
 است، بر آنان لازم می‌دانم. امسال، فقط
 خمس را در باره طلا و نقره که سال بر

تشریح و وظایف شیعیان را معین
 می‌کند. آن حضرت می‌فرماید: «ای
 علی بن مهزیار! برخی دوستان ما - که
 توفیق و رستگاری آنان را از خدا
 می‌خواهم - در باره پرداخت وجوه
 واجبه‌شان کوتاهی می‌کنند. من این را
 می‌دانم و دوست دارم امسال درباره
 خمس، اموال آنان را پاکیزه و حلال
 کنم؛ چرا که خداوند متعال می‌فرماید:
 ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا
 وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ
 سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ * أَلَمْ يَغْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ
 التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ
 هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ * وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى
 اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ
 إِلَىٰ عِلْمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ
 تَعْمَلُونَ﴾^۱ [از اموال آنان، صدقه‌ای [به
 عنوان زکات] اخذ کن و به این وسیله،
 آنان را پاک کن و به آنان دعا کن که
 دعای تو مایه آرامش آنهاست و
 خداوند شنوای داناست. آیا نمی‌دانند
 که فقط خدا توبه را از بندگان
 می‌پذیرد و صدقات را می‌گیرد و
 خداوند، توبه‌پذیر و مهربان است.
 بگو: عمل کنید. خداوند و فرستاده او و

۱. توبه/۱۰۳-۱۰۵.

برای نزدیکان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه است، اگر به خدا و آنچه بر بنده خود در روز جدایی حق از باطل، روز درگیری دو گروه (روز جنگ بدر) نازل کردیم، ایمان آوردید، و خداوند بر هر چیزی تواناست.^۲

ویژگیهای علی بن مهزیار

الف. اخلاق فردی

او دارای خصوصیات اخلاقی پسندیده و کمالات معنوی برجسته‌ای بود. عادت آن شخصیت وارسته در عبادت، چنان بود که چون آفتاب طلوع می‌کرد سر به سجده می‌گذاشت و سر بلند نمی‌کرد تا از برای هزار نفر از برادران مؤمن خود دعا کند به آنچه برای خود دعا می‌کرد و پیشانی‌اش از کثرت سجده، مثل زانوی شتر پینه بسته بود.^۳ وی در تعظیم، علاقه‌مندی و خدمت به اهل بیت علیهم السلام کم‌نظیر بود.^۴

۱. انفال/۴۱.

۲. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۰۱.

۳. معجم رجال الحدیث، ج ۱۳، ص ۲۰۹ و منتهی الآمال، ج ۲، ص ۳۵۸.

۴. موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۳، ص ۴۱۱.

آنان گذشته باشد، واجب می‌کنم؛ اما در باره کالاها و لوازم مورد نیاز زندگی، ظروف، چهارپایان، خدمتکاران، سود معاملات و یا املاک، خمس مقرر نمی‌دارم - به غیر از درآمدهایی که بعداً توضیح خواهم داد - اینها به سبب سهولت و راحتی و سبک گرفتن برای دوستان و شیعیانمان است و نوعی احسان محسوب می‌شود؛ زیرا حکمرانان ستمگر با خدعه و فریب، اموال آنان را تصرف می‌کنند و یا به دلیل گرفتاریهایی که در زندگی پیش می‌آید، ما هم تسهیلاتی برای دوستانمان قائل می‌شویم؛ اما در غنایم و درآمدهای شغلی به سودهایی که به دستشان می‌رسد، پرداخت خمس در سر سال واجب است؛ همچنانکه خداوند متعال در این باره می‌فرماید: ﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِ اللَّهِ خُمُسَهُ ۖ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ ۖ وَابْنِ السَّبِيلِ ۚ إِن كُنْتُمْ ءَامَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ ۖ أَلَجَمْعَانِ ۖ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۙ﴾^۱ «بدانید هرگونه غنیمتی که به دست آوردید خمس آن برای خدا و پیامبر و

حضرت جواد علیه السلام در تجلیل از علی بن مهزیار اهوازی و تشریح ویژگیهای زیبایش، خطاب به او می‌فرماید: «ای علی بن مهزیار! خداوند به تو جزای نیک عنایت کند و تو را در بهشت خویش مسکن دهد، از خواری و ذلت دنیا و آخرت رهاشده، با ما خانواده محشور کند. من تو را در خیر خواهی، فرمانبری، خدمت‌رسانی، وقار، ادب، انجام تکلیف و به جای آوردن وظایف خویش، آزمودم. اگر بگویم که مثل تو را ندیده‌ام، امیدوارم سخن راستی گفته باشم. خداوند، پاداش تو را سکونت در باغهای فردوس برین قرار دهد. عظمت خدمات تو در گرما و سرما و شب و روز بر من پوشیده نیست. از خداوند مسئلت می‌کنم که تو را در روز قیامت در پرتو محبت و رحمتش قرار دهد؛ همانا که او شنونده دعاهاست.»^۱

ب. اخلاق اجتماعی

واسطه فیض

علی بن مهزیار می‌گوید: محمد بن حمزه غنوی به من نامه نوشت و از من درخواست کرد تا از امام جواد علیه السلام دعایی بخواهم که گرفتاری‌اش

برطرف و از زندان آزاد شود. امام محمد تقی علیه السلام نیز در پاسخ نامه من فرمود: «به محمد بن حمزه بگو که این دعا را همیشه بگوید و آن را مرتب بخواند: «یا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ أَكْفِي مَا أَمَّنِي سِوَمَا أَنَا فِيهِ، ای کسی که از هر چیزی کفایت و بی‌نیاز می‌کند و هیچ چیز از او بی‌نیاز نیست، در امر مهمی که من در آن هستم مرا کفایت و بی‌نیاز گردان!» امام بعد از آن فرمود: «امیدوارم به سبب این دعا، گرفتاری او برطرف شود؛ ان شاء الله تعالی.» من این دعا را به او رساندم و او در مدت کوتاهی از زندان آزاد شد.^۲

نجات از زلزله

علی بن مهزیار اهوازی به امام نامه نوشت و در آن، دعای حضرت را برای رفع زلزله از شهرستان اهواز خواستار شد. وی در آن نامه از حضرت پرسید: «آیا با این همه زلزله و آثار زیانبار آن، که در اهواز رخ می‌دهد، به نظر شما ما از اینجا به جای دیگری کوچ کنیم تا از آثار ویرانگر آن

۱. رجال کشی، ص ۵۴۹.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۵۶۰.

در امان بمانیم؟!»

نیز تلاوت کنم؟! یا این عمل آدابی دارد که باید آنها را رعایت کنم؟ چه دستوری می فرمایید؟» امام پاسخ داد: «هرگز تلاوت قرآن را رها مکن؛ کم یا زیاد و قرائت سوره قدر در یک شبانه روز ۱۰۰ مرتبه کافی است.»^۳

روایتهای راهگشا

در اینجا به نمونه هایی از روایات علی بن مهزیار در موضوعات مختلف می پردازیم:

۱. امامت

علی بن مهزیار روایت می کند که به حضرت هادی علیه السلام عرض کردم: «إِنَّ كُنَّ كَوْنٌ وَأَعُوذُ بِاللَّهِ قَالِي مَنْ قَالَ: عَهْدِي إِلَى الْأَكْبَرِ مِنْ وَلَدِي يَعْنِي الْحَسَنَ علیه السلام؛^۴ اگر - خدای نکرده، پناه به خدا - پیش آمدی شد (و شما از دنیا رفتید) به که پناه بریم (و امام ما کیست؟) فرمود: عهد من به سوی بزرگترین فرزندان من، یعنی حسن علیه السلام است.»

۱. همان، ص ۵۴۴.

۲. رجال طوسی، ص ۳۹۳.

۳. الکافی، ج ۵، ص ۳۱۶.

۴. همان، ج ۱، ص ۳۲۶.

امام در پاسخ نامه، او و همشهریانش را از مهاجرت باز داشت و فرمود: «شما روزهای چهارشنبه، پنج شنبه و جمعه را روزه بگیریید و غسل کنید؛ آن گاه لباسهایتان را از آلودگیها پاک کنید و روز به بیرون شهر بروید و به درگاه الهی دعا و انابه کنید که این بلا از شما رفع خواهد شد.» ابن مهزیار می گوید: «ما به دستور امام جواد علیه السلام عمل کردیم و بلای زلزله برطرف شد.»^۱

رساندن نامه

ابی عمرو حدّاء از یاران امام هادی علیه السلام می گوید: روزی نامه ای نوشتم و از طریق علی بن مهزیار به امام هادی رساندم. در آن نامه عرضه داشتم: «فدایت شوم! من زمانی از پدر بزرگوارت سؤالاتی کردم و رهنمود خواستم و در باره سختی و فشار زندگی به آن گرامی شکایت کردم. بر اثر رهنمودهای آن حضرت به آنچه که می خواستم دست یافتم. ای آقای من! دوست دارم شما هم مرا راهنمایی کنید. آیا فقط به مداومت سوره قدر در نمازهای واجب و غیر آن پردازم و یا در کنار سوره قدر، سوره های دیگر را

۲. دقت در اجرای وصیت

علی بن مهزیار می‌گوید: «امام جواد علیه السلام در نامه‌ای به جعفر و موسی به آنان یادآور شد که من به شما گفته‌ام گواهیهای چنین و چنان اخذ کنید؛ زیرا این عمل، نجات شما را در آخرت در پی دارد، وصیتهای پدر و مادرتان را تضمین می‌کند و نوعی نیکی از شما به آنان است.

از اینکه در وصیت آنان تغییر دهید، به شدت پرهیزید؛ زیرا دست آنان از دنیا کوتاه شده است. خداوند از هر دو راضی باشد. امروز اجرای وصیتهای آنان بر عهده شماست. خداوند تبارک و تعالی در این باره می‌فرماید: ﴿فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَأَنَّمَا إِنَّمَهُ وَّعَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾^۱ «کسانی که پس از شنیدن وصیت، آن را تغییر دهند، گناه آن تنها بر کسانی است که وصیت را تغییر می‌دهند. به یقین که خداوند شنوا و داناست.»^۲

۳. سوگندهای قرآن

علی بن مهزیار درباره سوگندهای قرآن از محضر امام جواد علیه السلام نکته‌ای را نقل کرده است که قابل دقت است. روزی از پیشوای نهم پرسید: «سوگندهای قرآن [به اشیاء و امور مختلف] همانند ﴿وَاللَّيْلِ

حضرت جواد علیه السلام: من تورا در خیر خواهی، فرمانبری، خدمت‌رسانی، وقار، ادب، انجام تکلیف و به جای آوردن وظایف خویش، آزمودم. اگر بگویم که مثل تو را ندیده‌ام، امیدوارم سخن راستی گفته باشم

إِذَا يَفْسُ * وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى * وَالسَّجْمِ إِذَا هَوَى * و نظایر اینها برای چه در قرآن مورد قسم قرار گرفته است؟» امام فرمود: «خدای تعالی [برای بیداری انسان و تحریک اندیشه و عقل وی] می‌تواند به هر یک از مخلوقات که بخواهد سوگند یاد کند؛ ولی مردم جز به ذات او به چیز دیگری نباید سوگند یاد کنند.»^۳

۱. بقره/۱۸۱.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۳۳۸.

۳. المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی، انتشارات اسماعیلیان، ج ۲۰، ص ۳۰۷.